

سخنرانی جناب آقای کیهان

سازمان جمعیت کنونی ایران

لازم است قبل از وارد شدن در موضوع شرایط تمرکز انسانی این کشور را از نظر جغرافیائی و تاریخی بطور خلاصه بعرض رسانم اوضاع سیاسی و اجتماعی يك سرزمین همواره تابع اوضاع طبیعی و اقتصادی بوده و موقعیت طبیعی و وجود آب و هوای مساعد شرط اول برای زندگانی بشر است .

تحقیقات و حفاریات اخیر مدلل میسازد که ایران از قدیم الایام محل سکونت بشر بوده و آلات و ادواتی که از زیر خاک بیرون آورده اند سیر تمدن و تکامل آنرا در این سرزمین نشان میدهد .

مساحت کلیه فلات ایران ۲,۶۰۰,۰۰۰ کیلومتر مربع است ولی ایران امروزی بمناسبت وقایع مهم تاریخی تغییر حدود داده و کوچکتر شده بطوریکه بیشتر از ۱,۶۴۷,۰۰۰ کیلومتر مربع نمیشد . طول آن از آرارات تا کواتر ۲۲۱۰ کیلومتر و عرضش از سرخس تا مصب شط العرب ۱۴۰۰ کیلومتر است طول تمام سرحدات ایران قریب ۸۱۰۰ کیلومتر و ارتفاع متوسطش از سطح دریا ۱۲۰۰ متر است .

کوه های مرتفع مانند دیوار اطراف ایران را احاطه کرده است و مانع عبور مستقیم با ممالک مجاور گشته این کوه ها عبارتند از :

۱ - رشته البرز (مشرف بر جلگه های پست مازندران و گیلان) دارای قلد آتش فشانی غیر منظم که تا مدتی از سال مستور از برف بوده و دامنه های شمالی آن اغلب پوشیده از جنگل و دامنه های جنوبی که متوجه داخل فلات است خشک میباشد . آتش فشان دماوند مرتفع ترین کوه های ایران (۵۶۷۰) متر که در کنار هزار است در همین قسمت واقع است . کوه های البرز سدی است حایل بین دریای خزر و فلات ایران و مانع رسیدن رطوبت بداخله این فلات میباشد عرض آن در حدود ۱۰۰ کیلومتر و بواسطه شکست هائیکه در آن رخ داده دارای معادن بسیار میباشد .

و فور باران و رطوبت باعث کثرت رودخانه در این نواحی گشته و دره های واقع در این سلسله جز دره سفیدرود هیچ يك قابل عبور نیست و همین رود است که طهران را بواسطه منجیل به بحر خزر مربوط میسازد (۳۷۹ کیلومتر) ولی اخیراً راهی بطول ۴۱۰ کیلومتر کشیده شده که طهران را بوسیله کرج و چالوس و نوشهر باین دریا متصل میکند.

۲ - کوه های کردستان و لرستان (مشرف بر جلگه های موصل و عراق) این کوه ها دارای قله منظم و مساوی و ارتفاع آنها هر چه بجلگه بین النهرین نزدیکتر میگردد این کوه ها با اسم زاگرس^۱ معروف است از نوده تمتد و عرضی تشکیل شده از کردستان تا فارس و بطول ۱۰۰۰ و عرض ۲۰۰ کیلومتر کشیده شده است. در قسمت شرقی آن کوه الوند که از سنگهای خارا تشکیل شده دامنه های غربی این رشته از گچ تشکیل شده و بواسطه حل شدن مقدار زیادی نمک در آب رشد نباتات بسیار کم است. معادن نفت در این نواحی زیاد یافت میشود.

رودخانه های مهمی از کوه ها سرچشمه میگیرند: رودخانه دیاله در قسمت شمالی جاری و بطور عمودی این کوه ها را قطع کرده و دره آن راه ارتباط گشته است.

رودخانه گاماسب که بر حسب محل نام آن تغییر میکند (گاماسب بر قسمت علیای رودخانه صیمره در قسمت وسطی و کرخه نام انتهایی آنست) شعبات مهمی وارد آن میشود اغلب رودخانه ها از تنگه های باریکی که بعضی اوقات عرض آنها از سه متر تجاوز نمیکنند عبور نموده و ارتفاع آب این رودخانه ها در موقع کم آبی به ۱۵ متر میرسد مانند تنگ کله و تنگ تیر، دشتهای مهمی در این نواحی یافت میشود مانند دشت کرمانشاه بطول ۵۰ کیلومتر و ماهی دشت بطول ۱۰۰ کیلومتر و عرض آنها متفاوت از ۸ الی ۲۰ کیلومتر است برای عبور از این دشتهای باید از گردنه های مهمی مانند اسدآباد بارتفاع ۲۱۰۰ متر که طهران را به کرمانشاه مربوط میکند گذشت.

این ناحیه بقسمتهای مجزا تقسیم شده که هر يك دارای اختصاصات آب و هوایی

میباشد. بعضی از آنها دره های گرم و برخی دیگر قله مرتفع خوش آب و هوایی تشکیل داده است در این نواحی برف زیاد است که در مدت چهارماه عبور از آن بسیار دشوار میباشد در موقع تابستان بعضی اوقات رنگارنگی شدیدی دیده میشود و در دره ها درجه حرارت به ۵۰ سانتیگراد میرسد. در اثر این عوامل اراضی این نواحی بسیار حاصلخیز و دارای گیاههای گوناگون و جنگلهای انبوه و زیبا میباشد. اغلب این جنگلهای متناسفانه بواسطه عدم مواظبت بدست ایلات خراب شده است و از ۲۷۰۰ متر ارتفاع بیالاهرانغ وسیعی یافت میشود.

در قسمت لرستان عموماً نقاط گرمسیر در ارتفاعات بین ۲۵۰ الی ۶۰۰ متر و نواحی سردسیر از ۷۰۰ متر بیالا شروع میشود و باین ترتیب فاصله بین قشلاق و بیلاق بسیار کم و جز قسمتی از آنها بقیه مانند سایر ایلات از قبیل قشقایی و بختیاری مجبور بطنی مسافت بعیدی نیستند.

۳ - کوه های خراسان - در مشرق بحر خزر وضع کوه ها بکلی متفاوت گشته بعضی چنین خورده گیهای نزدیک بیکدیگر سلسله های عرضی مختلف الجبهه دیده میشود که عرض آنها گاهی به ۲۰۰ کیلومتر میرسد.

برخلاف ارتفاع آنها غالباً کم و از ۳۳۵۰ متر تجاوز نمیکنند بهمین مناسبت عبور از این جبال آسان و از همین راه است که اقوام خارجی از قبیل ترک و مغول بایران دست یافته اند رطوبت این کوه ها به نسبت دوری از بحر خزر کم میشود تا اینکه در جنوب شرقی خشکی بحد اعلای رسیده کویر شروع میگردد. ناخت و تاز قبایل وحشی جنگلهای این ناحیه را از بین برده و همین موضوع برفزونی خشکی افزوده است. دشتهای وسیعی از قبیل دشت قوچان ۱۱۰۰ متر ارتفاع که امتداد آن بدشت مشهد میرسد در بین آنها واقع قله مرتفع این جبال مراتع برای گله داری و زمین های پست آنها حاصلخیز و دارای اشجار میوه میباشد. اختلاف ارتفاع دشتهای از ۸۰۰ الی ۱۳۰۰ متر و وجود آب در هر نقطه از آنها باعث حاصلخیزی فراوان و پیدایش دهات بشمار است انواع حبوبات و غلات در این اراضی بفرآوری بعمل آمده و همین حاصلخیزی

باعث جلب اقوام مهاجم گذشته و نژاد ساکنین آنجا مخلوطی از تاتار و مغول و ایرانی است.

۴ - کوه های آذربایجان - کوه های آذربایجان در واقع جزء کوه های منطقه داخلی است این جبال را بدو دسته میتوان نسبت داد برخی دنباله کوه های ارمنستان و بعضی دیگر قسمتهای آتشفشانی است قسمت های اولیه کم ارتفاع و بواسطه اتفاقات معرفه الارضی دارای معادن بسیار و اغلب بدون درخت و در نقاطی که آب باشد حاصلخیز بهمین جهت دارای دهات و قصبات زیاد و مزارع غلات و توتون و درختهای تبریزی یافت میشود. کوه های آتشفشانی نقطه مقابل رشته اول دامنه سهند که ۲۵۰ کیلومتر محیط آن است مراتع بسیار زیبا و چراگاه گوسفندان و در تمام قسمتهای آن جو بیارهای زیاد در جریان است. کوه سبلان مرتفع تر از سهند و در شمال شرقی آذربایجان واقع و آب و هوای معدنی آن قابل اهمیت است.

۵ - کوه های فارس - امتداد کوه های لرستان و پشت کوه و پس از جبال بختیاری شروع میشود کوه دنا در شمال غربی فارس واقع و دوم قله مرتفع ایران بشمار میرود (۵۰۰۰ متر ارتفاع) و پس از این قله کوه ها شروع بقصان مینماید و هر چه بجنوب و جنوب شرقی پیش میرود پست تر میگردد.

هر جا که شستشوی زیاد باران کوهی را بریده است بنام تنگ موسوم گشته و غالباً قابل عبور نیستند فقط بواسطه کتل های سخت عبور و مرور میشود مانند کتل پیرزن و کتل دختر و غیره در همین قسمت نیز میتوان سه ناحیه تشخیص داد:

الف - دهستان گرمسیر و نواحی خلیج فارس را تشکیل میدهد

ب - تنگستان در شمال ناحیه فوق و تا لرستان امتداد دارد

ج - سردسیر که بنام سرحد معروف و کوه های آن مرتفع و دارای مراتع و رطوبت زیاد میباشد.

۶ - کوه های کرمان - دنباله کوه های فارس که در مکران دیده میشود تا ساحل دریا تمتد و عرض آن از ۱۵۰ الی ۲۰۰ کیلومتر میرسد قتل آن گاهی مرتفع و تیز و گاهی کم ارتفاع دره های آن قابل ارتباط نیست.

بعضی از آن دره ها قابل سکونت و بسیار حاصلخیز و واحه هایی تشکیل میدهد که در آن انواع و اقسام غلات، برنج، پنبه و نیشکر بخوبی بعمل میآید.

۷ - کوه های داخلی فلآت - در داخله فلآت نیز ارتفاعاتی موجود است که قتل آنها بواسطه بلندی زیاد جذب رطوبت میکند و از این جهت دامنه های این کوه ها قابل سکونت میباشد و بواسطه همین آبادیهاست که ارتباط شان و جنوب ایران میسر است این کوه ها را بدو دسته میتوان تقسیم کرد: یکی از آذربایجان به مکران کشیده شده و از یزد و کرمان میگردد و دیگری از نیشابور تا بلوچستان تمتد است.

کویرها - مابین کوه های داخلی فلآت فرو رفتگیهای زیادی موجود است که تشکیل حوضه های بسته و مجزا میدهد و اگر رودخانه بزرگی در این نواحی بود این حوضه ها را بیکدیگر متصل میساخت. این کویرها غالباً بسیار پست مثلاً گود زره ۵۰۰ متر و کویر نمک در جنوب خراسان ۶۸۵ متر و بیابان لوت که از تمام پست تر است ۳۰۰ متر ارتفاع دارد. آب و هوای این ناحیه شدید است، سرما به چهل درجه زیر صفر رسیده و گرما از ۶۰ درجه سانتی گراد تجاوز میکند، بادهای محوف و طوفانهای رمل و خاک در آن حکمفرما است.

هجوم قبایل همسایه تا حدی سبب توسعه این کویرها گردیده است زیرا قراء مجاور کویر که بسی سکنه و رعایا آباد میگرددند بواسطه فرار آنها از هجوم قبایل وحشی یا کشته شدن بدست آنها بالطبع بی صاحب مانده چاهها و قنواتیکه بزحمت دائر شده بود بواسطه طوفانهای شن و ریگهای روان پوشیده شده و در محلی که قریه و مزارع بزرگی بوده جز توده های شن رنگ برنگ چیز دیگری دیده نمیشود. کوه های ایران که نسبت بسایر برآمدگیها سرزمینهای مجاور سهل العبور تر و مهیان نواز تر است از ادوار قدیم دره های سبز و خرم آن محل عبور و مرور اجتماعات بشری و کاروانها یا اقامت بسیاری از اقوام مختلف بوده و چون فلآت ایران در چهار راه عالم قدیم واقع (مقصود از چهار راه قدیم: جلگه ماوراءالنهر یا حد فاصل در کشور قدیمی چین و ایران در شمال شرقی و جلگه کلده و آشور در جنوب غربی و جلگه سند و پنجاب و گنگ

در جنوب شرقی و جلگه کورا در شمال غربی میباشد) وسیله ارتباط مردمان بسیار از نژادها و ملل مختلف قرار گرفته و عده نیز در آن ساکن گشته‌اند. محیط و اقلیم ایران در این مردمان تأثیر عمیق کرده، روحیات نازه‌ای در ایشان ایجاد نموده است. حاصلخیزی زمین و فراوانی نعمت و رشد سریع گیاهها و حیوانات آنها را بن آسانی و اعتقاد بقضا و قدر و کمی علاقه به ادبیات و نظر بلندی عادت داده در همین حال وجود زمستانهای سخت و کوبرها و صحاری پهناور و کوه‌های مرتفع و اختلاف اراضی از حیث حاصلخیزی مانع از این شده که این اقوام بهمان محصول طبیعی اکتفا کرده بکارپردازند و بهمان حالت اولیه باقی بمانند بلکه در اثر وجود همین عوامل مردم این سرزمین برای امرار معاش و ایمنی از سرما و گرما هوش و تدبیر خود را بکار انداخته پیوسته با طبیعت در نبرد بوده برای حفظ جان و مال خود در مقابل هجوم خار جیان خویشان را آماده رزم ساخته‌اند و همین بیم و هراس از خار جیان و فکر حفاظت خود تولید روح سلحشوری در ایرانیان نموده و یکنوع وحدت ملی بایشان داده که با وجود تمام مخاطرات تاریخی ایران توانسته است استقلال خود را حفظ نماید و نژاد و زبان و ادبیات و مذهب مخصوص داشته باشد.

در اعصار ماقبل تاریخ، ایران دارای ساکنینی بوده، آلات و ادواتیکه در کوه‌های غربی ایران پیدا شده معلوم میدارد که در عصر حجر مردمانی در این قسمت زندگانی میکردند که با مردم شمالی ارتباط و رفت و آمد داشته و این موضوع از آلات و ابزارهایی که در این ناحیه بدست آمده مطلب را روشن میکند. چون جنس آلات از سنگ تراشیده و بیشتر از سنگهای آتشفشانی است و چون در کوه‌های لرستان سنگ آتشفشانی پیدا نمیشود نتیجه چنین حاصل میشود که مردم عصر حجر پشت کوه و پیش کوه با مردمان نواحی شمالی ارتباط داشته‌اند.

در طالش و کوه‌های البرز قبور مردم سیاه پوست پیدا شده و عقیده پاره از علمای مردم شناسی بر این است که در دوره‌های ماقبل تاریخ در آن موقیقه آب و هوای ایران خیلی گرم و مرطوب بوده مردم این سامان سیاه پوست بوده‌اند.

بعدها ملل متمدنی مانند سومریها و اکدیها و عیلامیها در جنوب غربی ایران و آشوریها و بابلیها در مغرب ایران با بعرضه وجود گذاشتند. سومریها سواحل خلیج فارس را اشغال کردند شهرهای اور^۱ را که در تورات ارک^۲ نامیده و نی پور^۳ که از شهرهای نامی سومر میباشد بنا کردند حفاریات امریکائیه ثابت میکنند که سومریها بیش از سه هزار سال قبل از میلاد گذشته‌های منصلی داشته‌اند. در نزدیکی عشق آباد و دشت گرگان و دره گز اشیاء سفالین و ظروف سنگی بدست آمده که شباهت تامی با شیانی که در سومر پیدا شده دارد و حتی تصور میشود سومر و عیلام با تمدن ماوراء بحر خزر ارتباطی داشته و شاید سومریها از طرف شمال بخلیج فارس و جلگه بابل آمده باشند.

بر طبق مدارک تاریخی حدود مملکت عیلام و انزان تا اصفهان بوده و در ولایات انزان سوپارت^۴ که همان ناحیه اصفهان و شوشتر باشد جزء یک حکومت بوده و این وضعیت تا قرن هفتم قبل از میلاد باقی بوده است و شهر گابه^۵ جزء انزان بوده که محل فعلی اصفهان است.

شوش مهمترین شهر عیلام و از قدیمترین شهرهای عالم بوده است. شهرهای مادا اکتو^۶ روی کرخه، خای دالو در جای خرم آباد فعلی و اهواز از شهرهای معروف آن دوره میباشد.

در کوه‌های غربی ایران کاسیسو^۷ که آنها را نیز کوسیان نامیده‌اند و مهارت خودشان را در ساختن اشیاء آهنی و مفرغی و غیره بشبوت رسانده‌اند زندگانی میکردند. در گیلان طوایف گیل و کادوسیان، در هازندران تپوریها و اماردیها که اسم خود را برودخانه سفیدرود داده‌اند زندگانی کرده در بیکه‌ها که اسم خود را بقله درفک کوه در جنوب منجیل داده‌اند سکنی داشته‌اند و خیلی اقوام دیگر که گذشته آنها در زیر خاک هنوز مخفی و مستور میباشد در این سرزمین زندگی کرده حفاریات اخیر در ری، کاشان و تپه حصار و غیره ثابت میکند که قبل از ورود آرینها باین خاک جمعیت و شهرها

و تمدنی وجود داشته است و از این قبیل است شهر اناثو در ۱۴ کیلومتری عشق آباد و خرابه های آن تا بک کیلو متری شهر مزبور امتداد دارد قدمت این شهر را بنگاه کارنژی^۱ به سه الی چهار هزار سال قبل از میلاد نسبت داده و نیز شهر انا که بعدها پایتخت اشکانیان شده در قریه باقر همین عشق آباد و فیروزه کشف شده است همدان (امدانه) در کتیبه های نیگلات^۲ باه سر در حدود هزار و صد سال قبل از میلاد باین اسم نام برده و بعدها در دوره هخامنشی با اسم هنگ همتان نام برده شده و تاریخ شهر مزبور تا قرن ۱۱ قبل از میلاد صعود میکند ری یا راگنی اوستا یا راجیس نورات که بجهت قدمت آنرا شیخ البلاد میخواندند و از این قبیل شهرها متعدد یافت میشود که قبل از ورود آرین ها بایران وجود داشته و همین موضوع ثابت میکند که جمعیت متمدنی در نقاط مختلف ایران زندگانی میکردند است .

تاریخ آرینهای ایرانی از قرن هفتم تا اواخر قرن هشتم قبل از میلاد شروع میشود و هر چه قبل از آن بوده در پی پرده ظلمت مستور است اغلب دانشمندان عقیده دارند که از قرن ۱۴ قبل از میلاد مهاجرت آرین ها بایران شروع شده و تا قرن ششم قبل از میلاد امتداد داشته است در کتیبه های آشوری ها ۴ تا ۸ قبل از میلاد اسم از مادها برده و پس از این تاریخ کنعکس آشور و ماد شروع میشود که در کتیبه ها و تاریخ ها ذکری از آن شده است . آرین ها برخلاف سایر اقوام مهاجم که برای تاخت و تاز و غارت و چپاول بایران آمدند میخواهند در ایران برقرار شوند و بهر جا که وارد میشدند پس از جنگ با بومیها قلعه بنا میکردند و درون قلعه را بدو قسمت منقسم میکردند قسمتی را بمساکن خانواده ها و قسمتی را بحشم تخصیص میدادند و آتشی در آن روشن میکردند بعد ها این قلعه ها توسعه پیدا کرد و میدان بدهات و شهر ها میشد و از چند خانواده تیره تشکیل میشد و مسکن آن دو بود که ویس^۲ میگفتند از چند تیره قبیله ترکیب مییافت و محل سکنی آن بلول^۳ بود که گائو^۳ مینامیدند و چند عشیره یا قوم مردهمی را تشکیل و محل سکنی آنرا که ولایت بود دو بو میگفتند رئیس تیره ویس پت و رئیس قوم را

ده یویت مینامیدند . از ذکر غنائم و اسرانی که در کتیبه های آشور راجع بمملکت ماد شرح داده شده معلوم میشود که کشور ماد بسیار آباد و پر جمعیت بوده و چنانچه میدانیم مادها بنوع خود آشور بزرگترین دولت آن عهد را از پا در آورده و شهر نینوا را گرفتند و پس از این فتح دیگر آشور سر بلند نکرد .

بسط و توسعه مملکت هخامنشی و کشور گشائی سلاطین آن یعنی از رودخانه گنگ تا طرابلس و از رود جیحون تا مقدونیه و نگاهداری آن مملکت وسیع ثابت مینمود که ایران یکی از کشور های پر جمعیت دنیای آنروز بوده است .

در کتیبه های داریوش کبیر ذکری از آبادی فارس میشود و چنین یادآوری مینماید: " سرزمین فارس که ثروت فراوان و اسبهای زیبا و مردان دلاور دارد و آهور مزدا آنرا بمن بخشیده است از هیچ دشمنی باک ندارد " .

از مطالب مذکور در فوق چنین نتیجه گرفته میشود که جمعیت ایران تا زمان فتح اسکندر مقدونی از عناصر مختلف بدین ترتیب تشکیل شده بوده است :

- ۱- سومری و عیلامی در جنوب و جنوب غربی .
- ۲- سامی ها و کاسیت ها در مغرب .
- ۳- تیوریها و دریکه ها در شمال .
- ۴- عناصر سیاه پوست در مکران و بعضی سواحل خلیج فارس .
- ۵- عناصر غیر معلوم در مرکز مختلف ایران .
- ۶- آرینها که از ابتدای قرن ۱۴ قبل از میلاد بایران وارد شدند .

۷- پس از ورود آرین ها و مستقر شدن ایشان در این مملکت چون عناصر غیر آرین در ایران وجود داشته طبیعتاً با بومیهای محلی اختلاط و امتزاج روی داده است . مخلوط شدن قومی با قوم دیگر بدو وجه ممکن است صورت گیرد یکی بطور مهاجم و کشور گیری و دیگری بطور عادی یعنی رفت و آمد و مهاجرت .

از آغاز اقتدار مادها عناصر خارجی در ایران کمتر آمده در صورتیکه آرین ها

جلب و استخدام آنها مرسوم شده بود.

استیلای قوم وحشی مغول که از ۶۱۶ هجری بر ممالک آباه مشرق شروع شده از مهمترین وقایع تاریخی این کشور است و بقدری در سرنوشت ایران تأثیر کرده که نظیری در تاریخ ایران برای آن نمی‌توان یافت.

در ظرف ممالک بلندی را که از جهت وسعت و زیبایی و حاصلخیزی و جمعیت بر نواحی دیگر تفوق داشت در اندک مدتی با خاک یکسان کردند و هزاران فرسخ اراضی آباد زیر سم ستور وحشیان خونخوار ویران گردید.

پس از هجوم مغول و تاتار و اختلاف آنها بیابان گردی و صحرا نشینی که تا آنوقت در ایران خیلی کم مرسوم بود ظهور و شیوع پیدا نمود و حقیقت چنین شد که گذشته از اینکه این اقوام وحشی یکمرتبه کشور ایران را از سیر تکامل خود باز داشتند مملکت ما را چندین قرن عقب راندند و اگر چند تن از امرای مغول و تیمور که در تاریخ ذکری از آنها شده راجع بآبادی و ادبیات ایران نمایشی دادند در مقابل آنهمه خرابی چندان مهم نبوده و این را باید متذکر شد که اتراک و مغول و تاتار پس از ورود بایران و توطن در این آب و خاک تأثیر محیط و تربیت ایرانی در آنها بی اثر نبوده است.

در زمان صفویه بک آرامش و ترقی و تعالی در تمام قسمت های مملکت بظهور رسید و در وحدت کشور و اختلاط نژادی نیز سعی و جدی بعمل آمد مخصوصاً در زمان شاه عباس کبیر که تشکیلات لشکری صورت بک ارتش منظم بخود گرفته رؤسای ایلات و عشایر محدود گردیدند و عده از ایلات و طوایف مختلف را از نقاط کوچگانه در نقاط مختلف کشور سکنی داده مانند کردان زعفران لوی خراسان و اراکمه جلفای اصفهان.

فتنه افغان و قشون کشیمهای بی در پی نادر شاه افشار و اتلاف نفوس و تقلیل جمعیت، انحطاط کاملی را از نظر سکنه در این دوره نشان میدهد.

بعدها جنگهای داخلی و عدم مراعات قواعد بهداشتی و وقاحتی ها و ناخوشیهای مسمی باعث تلف شدن سکنه این مملکت گردید و با نتیجه جمعیت ایران رو بنقصان گذاشت. در زمان قاجاریه عهدنامه گلستان (مشمق در سنه ۱۲۲۸ هجری) بهترین

بواسطه بسط و توسعه کشور خود سایر اقوام مجاور را در تحت نفوذ خود در آورده و با آنان کم و بیش مخلوط شدند و بدین ترتیب نژاد آریین تا غربی ترین نقطه آسیای صغیر روز بروز توسعه یافت و همان بدین منوال بود که فتح اسکندر مقدونی عناصر جدیدی بایران آورده و تا اواخر سلطنت سلوکیدها در ایران این اختلاط و امتزاج ادامه داشت.

از ابتدای سلطنت اشکانیان یعنی ۲۵۰ سال قبل از میلاد تا ۶۴۱ بعد از میلاد (۲۱۱ یا ۲۲۲ هـ) که درات ساسانیان در نتیجه جنگ بهارند منقرض گردید چون ایران دارای حکومت و سلطنت متمدنی بوده که متر عناصر خارجی بایران آمده و اگر هم اختلاطی روی داده فقط با مهاجرینی بوده که بدین سرزمین آمده یا با اسرای خارجی میباشد که در ایران مانده و توطن اختیار کردند.

بعد از آنکه اعراب دامنه فتوحات خود را بسمت مشرق عربستان امتداد دادند و سلسله ساسانیان منقرض گردید و ایران بدست اعراب اقتاد مملکت بزرگ اسلامی که از ماوراء النهر تا شمال افریقا وسعت داشت تشکیل گردید.

واضح و روشن است که طوایفی از اعراب بایران مهاجرت کردند و در بعضی نقاط بخصوص در جنوب غربی این کشور مستقر شدند ولی بنظر این جانب تأثیر عرب بیشتر بواسطه پیروی ایرانیان بدین اسلام و ارتباط ایشان با دربار خلافت عرب بوده تا اختلاط واقعی نژادی، زیر ممالک اسلامی بی اندازه وسیع بود و عربستان انقدر دارای استعداد و گنجایش جمعیت زیاد نداشت تا از لشکر کشی و مهاجرت ممالک تابعه خود را هم نژاد و هم خون سازد و چنانکه میدانیم در بعضی نقاط ایران مانند اراضی شرقی و نواحی کوهستانی البرز و جنوب شرقی مانند کرمان اصلاً نفوذ عرب پایه نداشت.

در اواخر سلطنت ساسانیان طوایف ترک که حدود و مسکن آنها دامنه های جبال نیاشان و ناحیه شمالی خوارزم و ناحیه شمالی دریای خزر بوده قدرت و شوکتی بهم رسانیدند و شروع بسر کشی کردند تا آن زمان اقتدار آریین ها باندازه ای بود که همیشه جلوگیری از پیشرفت مهاجم اقوام تورانی و هیاطله بطرف مغرب میشد هر چند در این دوره و شاید کمی جلوتر تر که راهی بسوی باختر باز کرده بودند بدین معنی که در دربار خلفا

ولایات پر جمعیت شمالی ما را منتزاع نمود و مطابق این عهدنامه خانان، بادکوبه شیروان، (شروان) شماخی، گنجه، شکی و طالش که جزء ایران بود بتصرف روسها درآمد و بعد مطابق عهدنامه سوم ترکمن چای (۱۲۹۳) حدود فعلی رودخانه ارس گردید و همین طور در ناحیه شمال شرقی خوارزم و ترکستان بتصرف روسها درآمد و در جنوب شرقی قسمتی از بلوچستان ضمیمه هندوستان گردید.

اگر اراضی بایر و خشک و کوهستانها و کویرهای لم یزرع ایران را استثنا کنیم قریب پانصد و پنجاه هزار کیلومتر مربع اراضی حاصلخیز و قابل سکنتی باقی میماند و چون حد متوسط جمعیت را در هر کیلومتر مربع هفتاد نفر فرض کنیم ایران میتواند باسانی دارای سی و هشت ملیون و نیم نفر جمعیت بشود ولی متأسفانه علل ذیل باعث شد که جمعیت این سامان در آن زمان از ۱۵ ملیون که بطور تقریب گفته میشد تجاوز نکند.

جنگ بین الممالی و جنگهای داخلی - عدم رعایت بهداشت - افزونی اموات بر متولدین - مهاجرت - بی اعتمادی عمال دولتی سابق - فقر و فلاکت رعایا - گرانی معیشت و غیره نیز در تقلیل جمعیت ایران دخالت داشت.



جمعیت ایران را میتوان بشرح زیر تقسیم نمود:

آمار تقریبی که در سنوات اخیر تنظیم شده جمعیت ایران را باین طریق تقسیم نموده و خلاصه آنرا بعرض میرساند.

ناحیه	جمعیت	شامل نقاط
-------	-------	-----------

ناحیه یک - ۱,۸۰۵,۰۰۰	ظهران - ساوه - قم - کاشان - عراقی - جایلق - گلپایگان - قزوین - زنجان - سمنان - جندق - شاهرود - دامغان - محلات .
----------------------	---

ناحیه دو - ۷۹۵,۹۰۰	لاهیجان - پهلوی - ساری - بهشهر بابل - آمل - تنکابن - گرگان - دشت گرگان - آستارا که جمعاً با اضافه ۲۴۳,۰۰۰ قریب .
--------------------	--

ناحیه	جمعیت	شامل نقاط
-------	-------	-----------

ناحیه سوم - ۱,۲۱۶,۴۰۰	تبریز - خوی - خلخال - رضائیه - سراب - مراغه - مرند - هشتروند - هاگو - اردبیل - گرم رود با اضافه ۵۵۲۷ ده .
-----------------------	---

ناحیه چهارم - ۹۷۹,۰۰۰	گرمشاه - قصر - همدان - ملایر - نهاوند - بروجرد - کردستان - لرستان - گروس - تویسرکان با ۲,۱۸۶,۰۰۰ ده .
-----------------------	---

ناحیه پنجم - ۱,۷۵۶,۲۰۰	شیراز - آباده - اصفهان - شهرضا - چهارمحال - بوشهر - خرمشهر - اهواز - آبادان - دزفول - شوشتر با اضافه ۳,۰۱۵ ده .
------------------------	---

ناحیه ششم - ۷۶۶,۰۰۰	کرمان شامل نقاط کرمان - سیرجان - یزد - اقطاع - بم و نرماشیر بهلاوه ۳,۴۴۰ ده .
---------------------	---

ناحیه هفتم - ۱,۱۳۴,۰۰۰	مشهد - قوچان - دره گز - نیشابور - تربت حیدری - جام - سبزوار - بجنورد - قائمات - باختر - خواف - سیستان با ۸,۳۸۲ ده .
------------------------	---

جمعیت ایلات ایران در حدود چهار ملیون بوده که فعلاً شهر نشین شده اند.

سکنه مزبور بیشتر در اطراف مملکت یعنی در شمال و مغرب و جنوب و جنوب غربی در دهاتی که آب کافی برای زراعت یافت میشود مکنی دارند و میتوان گفت که بیشتر جمعیت در دو منطقه کوهستانی تمرکز یافته که یکی از مشرق بمغرب و دیگری از جنوب شرقی به شمال غربی یعنی در ایالت آذربایجان بیکدیگر متصل میشود.

کویرها در مرکز و مشرق بواسطه قلت آب دارای سکنه قلیل میباشد ولی ممکن است بواسطه احداث قنوت و کاربزه ها و چشمه های مصنوعی و سد بندی و چاه های آرتزین خیلی از نقاط ایران آباد شود حتی اطراف کویرها و در بعضی نقاط جنگلهای مصنوعی میتوان احداث نمود.

دو عامل در پیدایش ایلات ایران مؤثر بوده است :

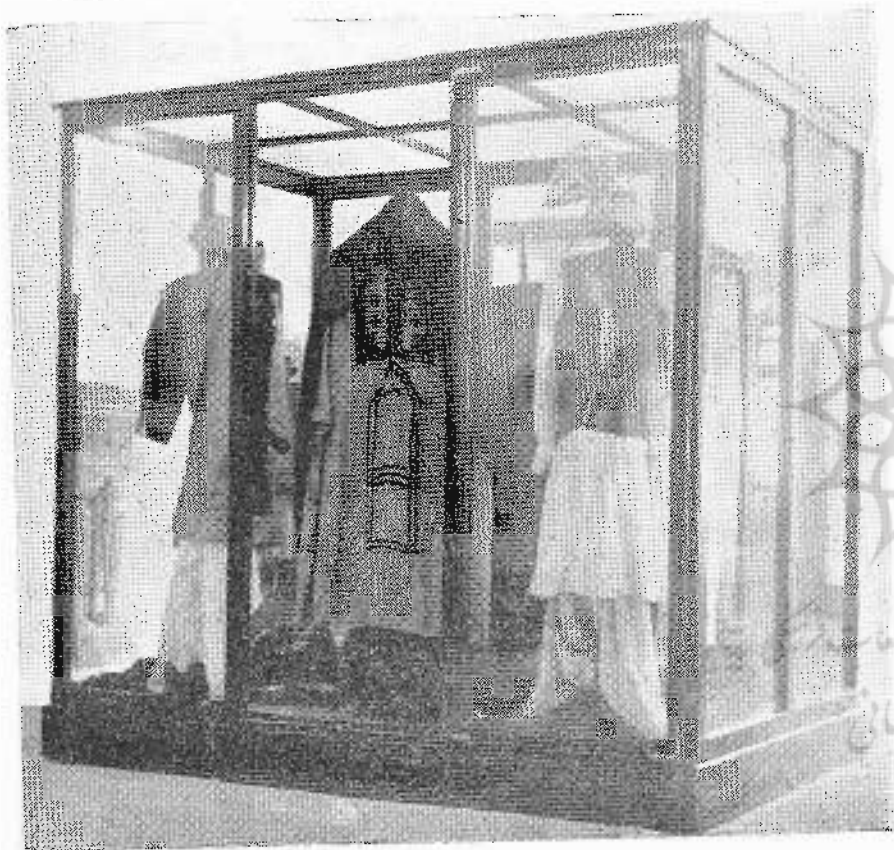
اول - تاخت و تاز اقوام مهاجم، قصد این اقوام بیشتر چپاول و غارت و خرابی بلاد بوده و چون عاری از هرگونه تمدن و تربیت بودند در مقابل حملات مزبور مردم شهرنشین گروه گروه شهرها و دهات را ترك کرده و بکوهستانها پناهنده میشدند و بهمین علل مردمان خانه بدوش و بیابان گرد در ایران زیاد پیدا شد و تا چندی پیش از این قبیل طوایف در اغلب نقاط ایران زیاد یافت میشد و بعضی از آنها عادات و آئین و کیش قدیم را از دست نداده و حتی بزبانهای قدیمی مادری سخن میراندند مثلاً در ارتفاعات کوه تفتان طائفه تمی دانی که در ظاهر سنی و باطناً زردشتی هستند وجود دارد و از این قبیل هستند لرها و غیره.

دوم - طوایفی را باید ذکر کرد که بامید حصول آب و علفی مهاجرت بایران کرده یا اینکه در تعقیب لشکر کشیها و غیره وارد این سرزمین شدند. طوایف مزبور در موقع تابستان اغلب باخشم و گله خود بنواحی مرتفع عزیمت میکردند. همین موضوع باعث چادرنشینی شده و بسر دسیر و گرم سیر کوچ میکردند و در وطنی مسافت باعث خرابی و ویرانی آبادی های سر راه خود میشدند و چون پیوسته در مکان معینی اقامت نداشتند هیچگاه بفکر آبادی و عمران برنیامده و علاقمند بآب و خاک معینی نبوده اند و بهمین جهت همیشه این طوایف باعث اغتشاش و بی نظمی گشته و نسبت بحکومت مرکزی اطاعت کامل نشان نمیدادند از طرف دیگر بواسطه موقعیت جغرافیائی این نواحی دسترس باین ایلات تا چند سال قبل برای حکومت های وقت مشکل بوده است تا اینکه از چند سال قبل باین طرف که در تحت توجهات اعلیحضرت همایون شاهنشاهی حکومت مرکزی دارای قدرت کاملی گشته شهرنشین کردن ایلات شروع شده و امروز خوشبختانه از آن حالت اسف آور سابق درآمده اند.

از چند سال باین طرف اقدامات مهمی از قبیل تأسیس بهداریها، پست های امدادی، شیر و خورشید سرخ و زایشگاهها و تأسیس کودکانها و تعمیم معارف در سراسر کشور و تأسیس دانشکده ها و دانشگاه وسد بندیها و هزاران بنگاههای عام المنفعه

دیگر که برای ایران سبب سربلندی و افتخار بوده و برای جمعیت و تمدن کشور ما مایه بسی میاهات است در سایه بلند پایه قائد توانای ما انجام گرفته است.

پیشن



یکی از ویترینهای موزه مردم شناسی راجع به آثار بلوچی